شفقنا(پایگاه بین المللی همکاری های خبری شیعه)- استاد دانشگاه شهید بهشتی گفت: گفتمان مسلط و فکر غالب زمان ما ایده حق محوری و حق مداری است؛ شهروندان دوست دارند انبوهی از حق ها را داشته باشند، بحث مهم و بسیار درخور تامل است این است که اسلام و فقه چه موضع و موقفی در برابر این رویکرد غالب دارد.

به گزارش خبرنگار شفقنا در قم، حجت الاسلام و المسلمین دکتر رحیم نوبهار در اولین جلسه از نشست علمی با موضوع «جلوه های حقوق مردم در حوزه عمومی» که در حسینیه مرحوم آیت الله موسوی اردبیلی برگزار شد، به طرح بحث در این زمینه پرداخت و اظهار داشت: مفهوم حقوق مردم یا حق الناس در ادبیات دینی ما مفهوم برجسته ای است؛ به این معنا که هر مسلمانی که آشنایی اندکی با تعالیم اسلام داشته باشد، به نحوی این موضوع را درک می کند و به تقدم حق الناس بر حق الله اذعان می نماید.

او ادامه داد: مسئله حق الناس در دین ما بسیار مهم است؛ یعنی هم احترام گذاشتن به این حق، مهم و لازم است و هم نقض آن در مواردی از مصادیق گناهان کبیره است.

استاد دانشگاه شهید بهشتی توضیح داد: منظور از حق الناس در حوزه عمومی بخشی جز روابط شخصی مانند خانواده و روابط دوستانه است؛ یکی از مصادیق حق الناس در فضای عمومی حق بر نقد سیاست های دولتی یا رویه های اجتماعی است. حق بر تشکیل انجمن ها و نهادهای مردمی و مدنی مصداق دیگر چنین حق هایی است.

او بویژه حق بر تعیین سرنوشت را مصداق دیگری از حق الناس دانست و گفت: اگر کسی مانع استیفا و پیگیری این حق شود به نوعی آن را تضییع نموده است.

نوبهار با طرح این پرسش که بر چه مبنایی می گوییم که یک ایرانی در انتخاباتی که در ایران برگزار می شود حق رای دارد و یک بیگانه چنین حقی را ندارد اظهار داشت: اگر این مسئله را تحلیل کنیم می یابیم که برای افرادی که رابطه و علقه ای با این سرزمین به عنوان تابعیت دارند حقی را قائلیم که برای دیگری که موقتا در کشور است قائل نیستیم.

او با بیان اینکه متاسفانه مفهوم عرصه عمومی در فضای مباحث حقوقی، اجتماعی و سیاسی کشور ما جا نیفتاده است؛ گفت: به دلایلی، حق های مربوط به حوزه خصوصی در باور ما مسلمانان بسیار پررنگ است مثلا حقوق مالکانه و تصرف در مال دیگری برای ما اهمیت زیادی دارد؛ همه ما مسلمانان دست اندازی به حقوق مالکانه دیگران را نادرست می دانیم. حتی اگر هم به صورت عملی آن را رعایت نکنیم از لحاظ نظری آن را خیلی مهم می دانیم؛ در حالی که به حق های مرتبط با حوزه عمومی اهمیت نمی دهیم.

این استاد حقوق ادامه داد: طبق بررسی هایی که انجام داده ام در فقه موردی پیدا نکردم که فقها در تزاحم میان حق الله و حق الناس، حق الله را بر حق الناس مقدم کنند. می توان این حکم را به عنوان یک قاعده مستقل مطرح نمود و از رهگذر آن بر حقوق مردم تاکید کرد.

او افزود: از طرح قواعد فقهی نباید تعجب کرد؛ دستمایه ها و خمیرمایه های قواعد فقهی در منابع فقه وجود دارد و فقها بسته به تکامل فقه و با گذشت زمان این قواعد را استخراج می کنند؛ درحالی که در گذشته مثلا با ۲۰ قاعده فقهی مواجه بودیم، امروزه سخن از صدها قاعده فقهی در میان است.

نوبهار قاعده لزوم تقدم حق الناس بر حق الله را یکی از قواعد مهم فقهی در عرصه عمومی دانست و افزود: به نظر من، این قاعده، عام است. به این معنا که اگر چیزی عرفا مصداق حق الناس باشد فرقی نمی کند که مربوط به حوزه عمومی باشد یا مربوط به حوزه خصوصی. اگر نگوییم حق های حوزه عمومی مهم ترند.

استاد حقوق دانشگاه شهید بهشتی تصریح کرد: بشر امروز از دولت و حاکمیت انتظار دارد که در گام اول حق های او را به رسمیت بشناسد و در گام بعدی این حقوق را ارتقا دهد؛ زیرا حق ها هم در فرایندهای مشخصی رشد می کنند و بالغ می شوند. مثلا حق حیات در همه فرهنگها و تمدنها بوده است، امروزه در امتداد حق بر حیات از حق بر کیفیت حیات سخن گفته می شود. انتظار سوم این است که برای حق ها، ضمانت اجرایی قائل شوند تا حق ها در سطح امر اخلاقی باقی نمانند. البته دفاع از حق ها و تضمین آنها محدودیت ها چارچوب هایی دارد.

او بیان داشت: گفتمان مسلط زمان ما و فکر غالب عصر ما حق-محوری و حق-مداری است؛ برخی ممکن است این تمایل  و گفتمان را نادرست بپندارند و اصرار کنند که همان  زبان دین و فقه که زبان تکلیف است بهتر، کاملتر و سودمندتر است. در مقابل، برخی ممکن است بگویند ما باید از گفتمان تکلیف به کلی جدا شده و به سمت رویکرد حق مدار حرکت کنیم. این رویکرد هم مشکلات و کاستی های خود را دارد. اما راه میانه، تاکید متوازن و متعادل بر حق و بر تکلیف است. گرچه حق و تکلیف دو روی یک سکه اند و به لحاظ تحلیلی تاکید بر یکی به نوعی تاکید بر دیگری است. به نظر ما این دیدگاه درست تر و سودمندتر است.

او تصریح کرد: اگر در مقام بیان چارچوبهای رفتاری انسانها آنها را صرفا مکلف قلمداد کنیم، قانع کننده نیست. بشر امروز می خواهد نه تنها در روابط میان انسانی که حتی در برابر خداوند هم دارای حق باشد.

استاد دانشگاه شهید بهشتی ادامه داد: رویکردی که سراسر بر حق تاکید می کند مشکلات خاص خود را دارد. از جمله کاستی های این دیدگاه این است که افراد به مسئولیتهای خود توجه نمی کنند. و به نوعی با پدیده  تورم حق ها مواجه می شویم.

او گفت: زبان فقه رایج ما بیشتر تکلیف مدار است در حالی که شایسته است به صورت متوازن بر حق و تکلیف تاکید شود. فقه و دستگاه فقهی کاملا این ظرفیت را دارد که به حق ها بپردازد. ضمن این که مفهوم حق حتی در ادبیات فقه رایج هم به کلی غایب نیست و فقه با حق و حق مداری سر ستیز ندارد. این که گاه گفته می شود حتی رساله حقوق امام سجاد(ع) هم، رساله تکالیف است، سخن درستی نیست. در همین رساله مواردی یافت می شود که مصداق و نمونه حق های مدرن و امروزین است؛ مانند حق اهل ذمه بر متفاوت زیستن و عقاید و آیین های خود را داشتن. نه بشریت پیشامدرن با حق بیگانه بوده است نه فقه.

نوبهار عنوان کرد: با این حال زبان و ادبیات تکلیف در فقه برجسته تر است و در رساله های عملیه فصلی به بیان حقوق آدمیان اختصاص داده نشده است. اما حق ها به نوعی در قالب و زیر پوشش تکالیف بیان شده و در نتیجه گفتمان حق  به محاق رفته است. اما می توان فصلی را هم به بیان حق ها اختصاص داد.

او گفت: فقه ظرفیتهایی دارد که می تواند از وجوه گوناگون بر حق تاکید کند و توازن میان حق و تکلیف را برقرار کند. این توازن مطلوب است؛ از همین رو در جهان عده ای از اندیشمندان تلاش دارند تا بر وزن اعلامیه جهانی حقوق بشر، اعلامیه جهانی مسئولیت بشر را هم تدوین کنند.

استاد مسلم حقوق جزا با بیان اینکه باید در فقه برای مباحث تحلیلی حق فصل جداگانه ای باز کنیم، گفت: یکی از مشکلات ما این است که مباحث حق در فقه رایج به طور حاشیه ای مطرح می شود. مثلا در مباحث بیع به مناسبت از بحث از مبیع در عقد بیع به حق پرداخته می شود. چنین جایگاهی هرگز مناسب شأن رفیع و جایگاه بلند حق و مباحث حق نیست. باید به مباحث حق موضوعیت داد؛ زیرا مباحث حق با انبوهی از مباحث مهم وبنیادین مربوط به سرنوشت بشر مرتبط است.

او افزود: در گام بعد باید استلزام حق و تکلیف را تحلیل و بر آن تاکید کنیم؛ اگر شهروندان حق بر بهداشت و سلامت دارند دولت و جامعه موظف است کاری در این رابطه انجام دهد. اگر ما مکلف به امر به معروف و نهی از منکریم حق داریم لوازم و استلزامات آن را از دولت و جامعه مطالبه کنیم.

نوبهار با اشاره به آیه نهی از تجسس در سوره حجرات گفت: این آیه با اطلاق و عموم خود گونه های زیادی از حق بر حریم خصوصی مانند حریم خصوصی بدنی، فکری، فیزیکی و اطلاعاتی را بیان می کند. در واقع حق بر حریم خصوصی با زبان تکلیف بیان شده است. مواردی از این دست در قرآن و سنت فراوان است. درست نیست که صرفا به علت این که چنین مفاهیمی با زبان و ادبیات مدرن و با گفتمان و لحن و آهنگ حقوق بشری مطرح نشده اند فقه و شریعت را بیگانه با آنها قلمداد کنیم. اما این به معنای رضایت از جایگاه کنونی حق در مباحث فقهی نیست.

انتهای پیام/www.fa.shafaqna.com